

ساختار تدافعی فرهنگ ایرانی

احداله سلطان محمدی

مقدمه

مناطق مسکونی و کشاورزی، قبل از ایجاد حکومت متمرکز در ایران به علت شرایط خاص جغرافیای طبیعی از واحدهای کوچک کشاورزی تشکیل می‌شد، که بین ۵ تا ۲۵ خانوار هماف را در برمی‌گرفت.^(۱)

این خانوارها به صورت جماعتی زندگی می‌کردند. محل مسکونی آن‌ها ویس^(۲) و محل کشاورزی آن‌ها که زیر نهر اختصاصی جماعت قرار داشت،^(۳) مزرعه و یا بُنه نامیده می‌شد.^(۴) این مناطق که توان دفاعی مقتدری نداشتند بنا به اسناد مکتوب اغلب مستشرقان همواره مورد تهاجم اقوام غارتگر بیرونی قرار داشتند. ثنوی ضعیف دفاعی مردم این مناطق که [کشور یا کشت‌ورزان] در برابر گله‌داران نامیده می‌شدند.^(۵) موجب می‌گردید بهترین راه دفاع در برابر ارتش‌های نیرومندتر از خود را بنا بر تقلید از حیات طبیعی فرار آگاهانه و مبارزه‌ی ابتدائی جهت خسته کردن و بیرون راندن دشمن بدانند.

در این مقاله ابتدا کوشش می‌شود شرایط ایجاد جماعت‌های کوچک ولی به هم پیوسته قومی و طایفه‌ای را نظر شرایط جغرافیای طبیعی تشریح شود و به موازات آن شرایط جغرافیای انسانی بیرونی ایران به صورت فشرده بیان شود تا ضرورت ایجاد سیستم دفاعی مشخص شده و سپس به تشریح در مورد برجک‌ها، قلعه‌ها و پناهگاهها در ایران پرداخته شود. از آنجائی که نویسنده خود فردی نیمه روستائی می‌باشد و زمان درازی از زندگی خویش را در ارتباط با روستائیان زادگاه خویش و سایر روستائیان ایران گذرانده است، در نتیجه دانش کهنسالان و روایات مردم روستائی کمک زیادی به فهم مطالب و ناشناخته‌های تاریخ ایران برای وی بوده است. لذا امید است که این طرح برای پژوهشگرانی که می‌خواهند واقعیات تاریخی ایران را فارغ از تئوری‌های از پیش ساخته غیرمتعلق بر واقعیت‌های زندگی و روایات اجتماعی ایران، بررسی کنند، فایده‌هایی جهت تحقیقات عمیق‌تر و گسترده‌تر شود.

کشورها و تمدن‌های چندی در آسیا به ویژه خاورمیانه بوده‌اند ولی در طول تاریخ نابود شده‌اند و فقط نامی از آن‌ها باقی مانده است، ولی کشور ایران و مردم صلح‌طلب آن علاوه بر این که توانسته‌اند فرهنگ خود را حفظ کنند، قادر بودند در پهنه‌ی تاریخ اقوام وحشی و بیابانگرد و غارتگر را در عین سلطنت نظامی، متمدن سازند و حتی آن‌ها را ایرانی نمایند. راز این بقا و دوام در شرایط جغرافیای طبیعی و انسانی بیرونی ایران نهفته است. که شیوه‌ی خاصی از تولید نه شیوه‌ی آسیائی بل ایرانی و فرهنگ و باورهای خاص خود را ایجاد کرده که به نام شیوه‌ی تولید آسیائی معروف شده است.^(۶)

ایرانیان پایه‌های اجتماعی و متفاوت از زندگی اجتماعی غربی که شاخص‌های خود را داشته و ادامه داده‌اند. شاخص‌های زندگی اجتماعی ایرانی را می‌توان به صورت خلاصه به شرح زیر نام برد:

۱. حکومت در برابر دولت ۲. قوم یا انجمن قومی در برابر انجمن ملی ۳. عهده در برابر قانون (چه احکام شاهی چه احکام مذهبی) ۴. مسای جماعتی در برابر مسای طبقاتی و من من سالک و صاحب حقوق شرایط مرید و مرادی در برابر فدویت ۵. قری طبقاتی در برابر طبقات ۶. رهبر طبعی در مقابل ریاست آئینی ۷. حقوقی گنیمی در برابر استبداد ۸. اطاعت در برابر طایفانه ۹. از رهبری خردمندانه و قدرت‌مندانه ۱۰. قول خیریان استبداد ۱۱. شورش در برابر انقلاب ۱۲. تشویق این ساحت در این مقاله نمی‌گنجد و بررسی‌های دیگری را می‌طلبد. تشریح مجموعه‌ی شرایط فوق به علاوه سیستم دفاعی، رازهای بقای فرهنگ و سیاسی ایران چه در مرزهای تحمیل کنونی و یا مرزهای طبیعی گسترده‌تر این سرزمین را مشخص می‌سازد.

شرایط جغرافیای انسانی بیرونی ایران

شرایط جغرافیای انسانی بیرونی ایران به صورت فشرده و غیرتشریحی چنین بوده است. وجود حکومت شهرهای غارتگر در غرب ایران مانند آشور،

کلده، بابل و ... و اقوام برادر و هم‌نژاد و غیر هم‌نژاد در شمال، که به صورت گله‌داری در شمال ایران می‌زیستند و هر از چندگاهی به ویژه هنگامی که مراتع آن‌ها دچار خشکسالی می‌شد و یا در موارد دیگر برای ادامه‌ی بقا خویش به سرزمین ایران جهت غارت بیوش می‌آوردند و مردم ایران را از دم تیغ می‌گذرانند و احشام و اموال آن‌ها را به غارت می‌بردند و شاید این کشتارها و غارتگری‌ها که کاملاً مکتوب نگردیده است دست کسی از کشتارها و غارت‌های منولان و تیموریان که مکتوب گردیده نداشته است. برای نمونه سرمنشی راونسی در تاریخ اجتماعی ایران می‌نویسد:

«شوربان معمولاً پس از کشنده شدن شهر آن را با خاک یکسان و غنایم جنگی را میان شرکت‌کنندگان در جنگ تقسیم می‌کردند و هنگامی که تصمیم به کشتار دسته‌جمعی می‌گرفتند اسپران را واکار می‌کردند که به زمین زانو بزنند سپس یا کوفتن گرز به ستر آن‌ها و یا با گردن زدن یا شمشیر نیز به عمر آنان پایان می‌دادند. نسبت به بزرگان روض و حیثیات تری را پیش می‌گرفتند. گاه زنده زنده پوست تن آن‌ها را می‌کنند و گاه روی آتش ملایمی ایشان را کباب می‌کردند.»^(۷)

و همین‌طور در تاریخ ماد آمده است که آشوربان هیزم بسیار نکرده و آتش می‌فروختند. کودکان را نمی‌سوزانند، مگر سرهای آن‌ها را از زندگان نمی‌ساختند، مگر کایجا و صداهای خویش را با تصاویر بوجسه عرش و زنان اسیر و لغت یا لمن‌های تیره‌منه می‌ساختند.^(۸)

شستن نامحسوس اقبال به دست آشوربان سدا و تکی سنگ دیگری از خون است که بر وجدان انسان سنگینی می‌کند.

جغرافیای طبیعی ایران

۱. نخل ایران در مجموع بیش‌تر از هزار متر از سطح دریا ارتفاع دارد.
۲. بیش از ۵۰٪ این فلات را از ارتفاعات و کوهها و کوهستان‌ها در بر گرفته که سطح متوسط این ارتفاعات بین ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ متر است.

۳- در میان ارتفاعات دره‌های بی‌شماری با شیب تند به سمت خط‌القدر دره‌ها قرار گرفته که عمق متوسط آن‌ها تا قلعه‌ی کوه‌ها بیش از ۱۰۰ متر است.

۴- در انتهای دره‌ها، رودها (نهرها)، رودخانه‌ها، شاه‌رودها (خرورودها) قرار گرفته است. که همگی به سمت یائین ارتفاعات جاری هستند و از آن‌جا راهی دریاچه‌های داخل و صحراها و یا خلیج فارس می‌گردند. شیب این رودخانه‌ها به حدی زیاد و عمق آن به حدی کم است که به جز موارد اندک قایم‌کشیرانی نمی‌باشند و در اغلب رودخانه‌ها و نهرها میزان آبدهی در ابتدا و انتهای آن‌ها بسیار متفاوت است.

۵- صحرا و کویر حدود ۱/۳ سرزمین فعلی ایران را فرا گرفته و فقط ۱/۳ از مساحت کل کشور قابل کشت می‌باشد.

عراغلب مناطق کشاورزی به صورت بسته‌ای از طریق دیوارکشی‌های طبیعی یعنی کوهستانی و یا به اصطلاح زره کوهستانی محصور می‌باشند که به شکل اعداد ۷ یا ۸ و یا دایره و یا ترکیبی از این اشکال می‌باشند و به این جهت رفت و آمد از یک منطقه‌ی کوهستانی به منطقه‌ی دیگر بسیار دشوار است. به بیانی دیگر مناطق کشت‌ورزی در کوهستان‌ها به صورت قلعه‌های طبیعی کوهستانی می‌باشند. این دره‌های کوهستانی بزرگ اغلب طولی حدود یکصد و عرضی بین ۱۰ تا ۲۵ کیلومتر دارند. هر منطقه‌ای که به این شکل توسط کوهستان‌ها محصور است در شرایط موجود و از نظر جغرافیای سیاسی، بخشی، را تشکیل می‌دهند، که در گذشته به نام کشور یا کشت‌ورز مشهور بوده که در رأس سازمان اجتماعی آن شاه و یا شاهک قرار داشته است.^(۹) نمونه این مناطق به شرح زیر می‌باشد: ۱- طالقان ۲- الموت ۳- اشکور ۴- رودبار ۵- دوهزار ۶- سه هزار ۷- لورا و ...

از دیگر مشخصه‌های مناطق کوهستانی و تفاوت آن با مناطق غیرکوهستانی در نجد ایران پربایی این مناطق نسبت به مناطق دشتی و کویری است ولی از آن‌جائی که زمین و آب در دو سطح متفاوت قرار دارند زمین در ارتفاع و یا شیب تند و آب در عمیق‌ترین سطح دره یا شیب زیاد جاری است، تفاوت آبدهی ابتدا و انتهای مسیر وجود دارد که موجب می‌شود چندین بار در طول رودخانه از یک طرف یا دو طرف به وسیله‌ی نهر آب برداشت شود و لذا برداشت آب فقط از عهده‌ی یک گروه همناف که آخرین سلول اجتماعی منسجم عشایری اوبه نامیده می‌شد بر می‌آمد.^(۱۰)

به علاوه سیل و خشکسالی و شیب تند زمین به سمت دره مشکلات دیگری را هر ساله برای کشاورزان به شرح زیر ایجاد می‌نمود:

۱- برداشت آب از رودخانه با احداث نهرهای

بزرگ و با احتمال کندن تونل در مسیر این نهر و یا ابتدای نهر برای سوار کردن آب و هدایت آن تا سر مزرعه یا بُنه صورت می‌گرفته و هنوز هم مردم مناطق کوهستانی ابتدای مسیر آب را «تینه‌گاه» یا بندگاه می‌نامند.

۲- چاره‌جویی در زمان‌هایی که مزرعه و دهکده و یا ریس دچار سیل می‌گردید.

۳- ایجاد سد و یا بندهای کوچک در مسیر آب برای بالا آوردن سطح آب رودخانه جهت برداشت از آن، کندن تونل در برخی از اوقات جهت سوار کردن آب از یک طرف به طرف دیگر تپه که دارای زمین کشاورزی بیش تری بود کار بسیار دشواری را می‌طلبید؛ نمونه این تونل‌ها را می‌توان در اقلید استان فارس که به نام کُت مشهور است ملاحظه کرد، که یکی به طول حدود شصت متر و دیگری حدود چهارصد متر می‌باشد و یا تونلی که در روستای اورازان طالقان با ابعاد کوچک تر می‌باشد و همین عمل را انجام می‌دهد که در کتاب اورازان زنده یاد جلال آل احمد هم از آن یاد شده است.

۴- مبارزه با خشکسالی که ترمیم هر ساله یا چندین بار در سال نهرها و علاوه بر این مشکلات همان‌گونه که در بخش جغرافیای انسانی پیرامون ایران گفته شد عامل و دغدغه تهاجم اقوام غارتگر شمال و غرب ایران نیز افزوده می‌گردد. مجموعه‌ی این عوامل موجب می‌شدند که انسان ایرانی مانند انسان اروپائی نتواند خارج از جماعت به زندگی اقتصادی خویش ادامه دهد و به همین دلیل جامعه‌ی ایرانی در لایه‌های زیرینش مخالف فردیت و سرکشی فرد و من گتنن بوده است. من در غرب به تنهایی می‌توانست دوام آورد و در صورتی که در شرق من تنها با حل شدن در ما بود که شانس ادامه زیست می‌یافت.

در ایران فرد فقط در سه شکل درویش یا عارف و گدا و شاه می‌توانست به موجودیت خویش ادامه دهد، این امر نیز موجب می‌شد که انسان ایرانی در شرایط اجتماعی با اشتراکی که من آن را سوسیالیسم بدوی می‌نامم باقی بماند و در دفاع از جماعت خویش نیز شکل خاصی را پیشه نماید که سازمان اجتماعی خاص خود را می‌طلبید.

سازمان اجتماعی کشت‌ورزان در ایران

۱- کوچک‌ترین واحد اقتصادی ویس نامیده می‌شد ۲- شوئیره مرکز چندین ویس بود ۳- دنگهو مرکز چندین شوئیره ۴- زنتو مرکز چند دنگهو که کشور که شامل چند دنگهو می‌شد. در رأس ویس، ویس پستی و در رأس شوئیره دیسکاتل یا دهقان یا دهقان که نماینده شاه و حد واسط حکومت و سازمان اداری مردم به شمار می‌آمد.^(۱۱) در رأس دنگهو، دنگهویتی یا شاهک و در رأس چند دنگهو یا کشور شاه کشور قرار داشت

که مسئول مادی و معنوی کشور که گلیم او محسوب می‌شد بوده است.

از دوره‌ی ماد به بعد از تشکیل صدها کشور، کشور شاهنشاهی ایران به وجود آمد که در یکی از کتیبه‌های زمان هخامنشی آمده است: «گوید داریوش شاه شاه شاهان، شاه کشورها ...»

بقا و دوام این سازمان اجتماعی در برابر یورشگران بیگانه مستلزم یک سازمان دفاعی متناسب با توان این مجموعه به هم پیوسته بود و پایه‌های این سازمان دفاعی بر دو محور قرار داشت: ۱- قلعه‌ها و برجک‌ها ۲- پناهگاه‌های زیرزمینی قلعه‌های ایرانی: کامل‌ترین تحقیقاتی که در مورد قلاع ایران به زبان فارسی نوشته شده کتاب قلاع اسماعیلیه نوشته دکتر منوچهر ستوده است که مشهورترین قلعه‌های نظامی اسماعیلیه را شرح می‌دهد ولی در مورد سایر قلعه‌هایی که از عهد باستان باقی مانده مانند قلعه رودخان و قلعه بابک و قلعه‌ای در کنار شهر نیشابور فارس و دیگر قلاع تحقیقات مدونی صورت نگرفته است.

از آثار مکتوبی که از دوره اسماعیلیان بر جا مانده چنین استنباط می‌شود که کاربری این قلعه‌ها به چند منظور بوده است ۱- حفظ جان رهبران مشهور و جنگاوران و سردمداران ۲- حفظ ارزش‌های کوچک دائمی درون آن‌ها که قادر به عملیات ایذائی در مواقع ضرور بودند ۳- خبر رسانی به سایر قلاع و مردم منطقه ۴- فرمان دادن به عوام نفوذی که در خدمت ایران و سلاطین مخالف و حاکم بودند و دیگر برداشت‌ها از این قلاع را می‌توان به این صورت بیان کرد که این قلعه‌ها هیچ شاهی به قلعه‌های دوره‌ی فتوحالی اروپا نداشتند. عموماً در مکان‌های غیرقابل دسترسی جغرافیائی در اوج کوهستان‌ها و دور از محل سکونت مردم یا با فاصله زیاد از محل اسکان مردم ساخته شده‌اند. به جز قلعه‌هایی که شکل یادگانی بزرگ را داشته‌اند و آن‌ها را امرا و سلاطین در کنار پایتخت می‌ساختند و به احتمال قوی گارد جاویدان در آن نگهداری می‌شد، مانند قلعه جنگی بی‌شابور فارس قلعه‌های دفاعی و خبررسانی ایران را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد.

۱- برجک‌ها - در میان روستاهای ایران برجک‌های سالم و مخروبه بیشماری را با مشخصات، حدود ۵ متر قطر (به صورت استوانه‌ای) و حدود ۱۲ متر ارتفاع که نزدیک به ۵ نفر را می‌توانستند در خود جای دهند و کاربردی غیر از نگهبانی و خبررسانی نمی‌توانستند داشته باشند سالم‌ترین این برجک‌ها را که مشخصاً دیده‌ام در نیاسر کاشان است که حدود ۲ کیلومتری پناهگاه‌های زیرزمینی یا (دما‌نا) قرار دارد این پناهگاه که بعداً شرح آن ناده می‌شود در نوع خود بی‌نظیر است.

غلت این‌که می‌گویم از این برجک‌ها خبرگیری

و خورشانی یا باشند سه مستنه است الف - مشرف به راههای ورودی به مسکونی قرار داشتند ب - در نزدیکی محل مسکونی و یا بیس یا بودند ج - در نزدیکی پناهگاهها ساخته شده بودند.

خورشایی به اهل منطقه برای تخلیه ساکنین از محل مسکونی خود (خان) و بنا به برین به منطقه ی امن (مان) و یا برمان که معنی آن خانه ی دیگر می باشد.

۱۰ قلعه ها - قلعه ها عموماً دور از دسترس یا استحکامات کراهی که از سه طرف نیز با محدودیت های طبیعی غیرقابل دسترس بودند ساخته می شدند. مانند قلعه منصور در طالقان که ویرانه های آن هنوز باقی است و قلعه های بزرگ تر مانند قلعه الموت و قلعه رودخان واقع در شهرستان فومن که قلعه ای با شکوه است که ساختمان های سه طبقه آن که بر روی باروهای اطراف آن تا سال ۱۳۳۸ که شخصاً آن را از نزدیک دیدم سرپا بود که در بازدیدهای بعدی هر بار آن را متعجب تر و ویران تر دیدم که به علت عدم مراقبت از آن از طرف مسئولین از یک سو و سرگردانی عناصر غیرمسئول و غارتگران که به منافع ملی نمی اندیشند از دیگر سو تخریب شده و می شود و از وسعت این قلعه ها چنین استنباط می شود که آن ها نمی توانستند تعداد قابل توجهی از نظامیان را در خود جای دهند که بتوانند با ارتش های بزرگ مقابله نمایند. و وجود این قلعه که بسیاری از آن ها به دختر قلعه مشهور بودند (به معنای غیرقابل دسترس) به منظور عملیات ایفائی و با مرکز عملیات چریکی بر علیه لشکریان شیوه دشمن به کار می رفت تا دشمن را وادار به تخلیه هرچه زودتر منطقه نماید و چون در هر منطقه تعدادی از این گونه قلعه های کوچک و بزرگ غیر قابل تصرف وجود داشته، می توان حدس زد که در جنگ های چریکی اگر یکی از قلاع توسط دشمن محاصره می شد، قلاع دیگر از بلایه ی نفاذ به عقبی دشمن حمله می نمودند. یا توجه به مسائل فوق می توان گفت که ایرانیان اولین مبتکر جنگ های چریکی جهت بیرون راندن دشمن از سرزمین خود بودند.

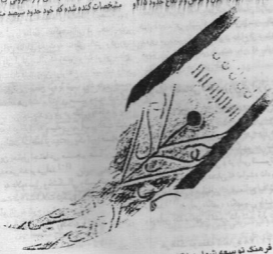
پناهگاه، دامان یا خانه دیگر

واژه ی دمان یا کاتونوف رایج کرده است. زیرا ایشان با تنوری از قیل ساخته شده به تاریخ ایران نگاه می کند و هم چنین می اندیشد که دیگر هیچ گونه اثری از روابط گذشته و یا آثاری از این مجموعه ها در ایران باقی نیست.

در زبان فارسی و زیر مجموعه های زبان فارسی کلمه ی دیگر را به صورت دینه تلفظ می کنند. مانند لوجه های قزوینی، طالقانی و بخش هایی از شمال و هم چنین فرزبان لری، و اگر مانا طبق نظر دیاکونوف و گرشویچ به معنی خانه و مسکن باشد که در اصطلاحات محلی تبدیلی به خان شده خانه ی دیگر

دینه (مانا) خوانده می شود که با گذشت زمان تبدیل به دهانا و بعداً به مان تبدیل شده و واژه ی خان مان نیز باید مخفف این دو مکان باشد شایسته در سیاحتنامه ی خود در صفحه ۲۵ جلد ۳ می نویسد هر چه مجبور بودند به هر طریقی که ممکن است در مقابل هرگونه تهاجمی خود را حراست کنند و امانال و نظایر این پناهگاهها تقریباً در تمام آبادی ها و جویزها و قیسات حوزه قزوین در هر گوشه و کناری دیده می شهود و به نظر نویسنده این مطالب در زیر تمام مناطق گهستانی که مغرب به مناطق مسکونی بوده تپه های وجود دارد که در اثر مرور زمان غیر قابل استفاده شده و دهانه های آن مسدود گشته و از این به بعد احتمالاً ما شاهد کشف تعدادی از این غارها که دست ساخت و یا طبیعی بوده اند خواهیم بود. زیرا این یک روش محافظت از زن و فرزندان روستائیان ایران در برابر یورش مهاجمان بوده است.

همان گونه که گفته شد باید در تمام مناطق روستایی سابق ایران از این گونه پناهگاهها وجود می داشته که در اثر گذشت زمان و بی استفاده ماندن و یورش دهانه های آن از یاد رفته است ولی همیشه بیوزمان مناطق روستایی از وجود برخی از این تپه ها در مناطق روستایی صحبت می کنند. نمونه این غارها یکی روه روی روستای وشته در طالقان بالای امامزاده یوسف است که در حدود سال های ۶۹-۱۳۴۸ به صورت اتفاقی توسط مردم کشف شد که متأسفانه محتویات آن غار دست ساخت مورد غارت افراد ناان و سوذجو واقع شده است که در همان سال های اول بنده دیداری از آن غار نمودم و تا حدود شصت متر توانستم داخل آن شوم که تا ساختمان مخصوص بر حوردار بود در دو طرف دالانی به طول شصت متر حدود هفتاد املاک حفاری شده بود به طول و عرض و ارتفاع حدود ۱۰ و ۱۰ و ۳/۵ متر و هم چنین دارای دو محدوده حال مانند یکی روه روی دهانه به سمت راست دهانه ورودی و دیگری در ابتدای تونل سمت چپ در جهت عمود بر دهنه تونل و هم چنین گفته می شود تونل های مشابهی در اشکورت ساخته شده و شاید عالی ترین نوع این تونل های دست ساخت تونلی است که در تاسار کاشان است که از عالی ترین نوع مهندسی برخوردار است. دهانه تونل اصلاً در معرض دید نیست و درای دهانه های تنگ، ولی پس از عبور از دهانه به دو محدوده حال مانند که با دهانه های دیگر از هم جدا می شهود، در کنار هر یک از این حال ها چاهی به عمق نزدیک به سه یا چهار متر حفر شده و در انتهای چاه راهروهای زیرزمینی شروع می شهود که عرض راهروها حدود هفتاد سانتیمتر و ارتفاع آن حدود یکصد و شصت سانتی متر که آسان باید یا قائمی خیده در آن راه ورود این تونل دارای پنج و شش هانی با زاویه تند است و در هر متر و نیم و زاویه حفره ای به ارتفاع حدود ۲ متر یا بیش تر از ارتفاع اصلی تونل به عمق حدود سه متر حفر شده که روه روی راهرو دارد که به نظر می رسد این حفره محل اقامت نگهبانان تونل بوده که به محض ورود دشمن با نیزه به آن حمله کنند و راه ورود را با برجای گذاشتن چناره حریف بر کف تونل سد نمایند. به گفته ی اهالی محل تونل دارای اشعاع های متعددی است که طول یکی از این اشعاعها به یازده کیلومتر می رسد، در ضمن باید یادآور شد که در امتداد تونل چاههای دیگری به سمت ارتفاع و سطح زمین در کنار دیواره تونل حفر شده که حیاتی تازه و یا داخل تونل هدایت می کند بدون این که از بیرون اثری از دهانه چاه وجود داشته باشد و یا آسان در این تونل احساس کمبود هوای تازه کند و در حال دیگر نیز به همین ترتیب چاهی و راهرویی با همین مشخصات کنده شده که خود حدود سیصد متر در آن



داخل شدم و از نزدیک مسائل فوق را مشاهده کردم. باید یادآور شد که در حدود ۲ کیلومتری دهانه وردی این تونل برجکی جهت دیده‌بانی به ارتفاع فعلی حدود ۶-۷ متر وجود دارد که مشرف به تمام راه‌های ورود به منطقه است و بنا به گفته برخی از اهالی اقلید فارس در زیر سر تا سر خیابان اصلی اقلید تونلی وجود داشته که از گذشته‌های دور حفر شده و مردم از کاربرد تونل در گذشته خبر ندارند ولی گفته می‌شده که در کف تونل مقدار زیادی از بقایای کاه وجود داشته که به گمان مردم در گذشته برای انعکاس بهتر نور در کف تونل می‌ریخته‌اند.

در کتاب جغرافیای طالقان نوشته آقای میرابوالقاسمی^(۱۲) بین روستای گورن و گلیرد پناهگاهی وجود داشته که شامل سه طبقه می‌شده و ارتفاع نخستین طبقه آن ۴ متر از زمین است و مجموعاً دارای ۱۸ زاغه، سه ایوان و سه دهنه که هر طبقه را با دنیای بیرون ربط می‌دهد می‌باشد. از شیوه کندن غارها و تونل‌ها و زمان آن می‌توان چنین نتیجه گرفت که مادر مهندسی قنات و حفر آن، مهندسی تونل و پناهگاه‌ها در ایران بوده است.

اخیراً غاری در فضای صخره‌های تراشیده شده در شهرستان مریوان کردستان کشف شده که در آن اتاق‌ها، راهروها، دالان‌های عبور وجود دارد و در بخش فوقانی سردر یکی از اتاق‌های طبقه سوم این غار نوشته‌ای به خط یونانی وجود دارد که در آن از الهه یونانی «هراکلیس» نام برده شده است.^(۱۳)

این امر می‌رساند که حتی یونانیان با آن همه تفاوت زندگی و عادات وقتی مسجور شدند که در شرایط جغرافیای طبیعی و انسانی دیگری زندگی کنند تحت تأثیر روشی قرار گرفتند که ایرانیان برای دفع شر آن روش را ایجاد کرده بودند و از آن شیوه پیروی می‌کردند.

نتیجه وجود هراس دائمی از تهاجم بیگانه به سرزمین ایران و غارت و کشتار زنان و کودکان بی دفاع مردم و هم‌چنین زندگی در متن جماعات روستائی با توان ضعیف دفاعی در برابر یورش‌گران خونخوار بیگانه، ایرانیان را واداشت که در ابتدا سیستم خبرگیری و خبررسانی و مقاومت ایذائی توسط احداث برجک‌ها و قلعه‌ها و پناهگاه‌ها را در ایران به وجود آوردند. سپس جهت دفاع سرتاسری نیاز به ایجاد قدرت متمرکز واحد سراسری یا ارتش دائمی ده هزار نفری به نام گارد جاویدان نمایند که بتوانند در برابر دشمن مشترک همه کشورهای ایران زمین وحدت کلمه داشته باشند. این ارتش جاویدان را زیر نظر قدرتمندترین رهبر خردمند قرار دهند و برای این که فرمان شاه برای احاد مردم لازم‌الاطاعه شود (چه فرمان ایزد چه فرمان شاه) از طریق سیستم مذهبی که به تدریج در ایران شکل گرفته بود عنوان فره ایزدی را به خود می‌گرفت.^(۱۴) به سخن دیگر شاه تجسم قدرت قومی بود که عناوین زیادی را در

طول تاریخ ایران، به صورت قبیله‌ی عالم، خورشید جهان‌آراء، اعلیحضرت، ظل‌الله^(۱۵) را به خود گرفت.

۳- پیرداختن داوطلبانه‌ی هزینه‌های این حکومت توسط کلبه‌ی شاهان کوچک و جماعت‌ها به صورت بنیچه (۱) از کلبه محصولات و سرپناز (پهلوان) که این نام یعنی بنیچه پس از ورود اسلام به ایران به نام‌های مختلفی مانند خمس و ذکات از نظر مذهبی مطابق بود.^(۱۶) و از نظر حکومتی نام‌های خراج، حق دیوان، سرانه و ... نام گرفت و بر مبنای همین ضرورت بود که عالی‌ترین نوع تشکل نظام طایفه‌ای برای اولین بار در جهان به تدریج در ایران شکل گرفت که بخش وسیعی از جهان آن روز را یکپارچه ساخت و توسط دو سلسله‌ی ماد و هخامنشیان سنن و احکامی را که منطبق با شرایط عینی آن روز جامعه‌ی ایران بود از خود باقی گذاشت و سلسله‌های بعدی که از قبائل و شبه قبائل و هزار فامیل‌ها تشکیل می‌شدند، فقط یا تکیه بر بخشی از تجربیات باقیمانده می‌توانستند بر سرزمین پهناور ایران حکومت کنند و این نوع حکومت نیز توانست در جهان آن روز تأثیرات زیادی را از خود بر جای گذارد. حتی اکنون که ما در آستانه‌ی قرن بیست و یکم می‌باشیم و تاریخ مصرف این شیوه به خاطر به وجود آمدن فرد در برابر جماعت به پایان رسیده، ما که نتوانستیم از قومیت به ملت تحوّل یا بیم و احکام را به قوانین تبدیل کنیم و نهادهای مدنی در خور مسائل صنفی و سیاسی جامعه‌ی خویش را ایجاد نماییم نتیجتاً قادر نیستیم حول منافع ملی جامعه‌ی خویش را به پیش ببریم و به توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی دست یابیم. قومیت یا همان سیستم حکومتی و حکمرانی ایران باستان منتهی با نام‌های دیگر به حکومت خویش ادامه می‌دهند و نام حکومت با دیوانسالاری باستانی خود را دولت گذاشته‌اند با این تفاوت که حزب و یا احزاب شبه قبیله‌ای خود را به جای قبیله و هزار فامیل وسیله‌ی اداره‌ی جامعه‌ی خود قرار ندادند که یکی از مشخصه‌های این احزاب روابط مرید و مرادی و یا اطاعت کورکورانه از مافوق می‌باشد.

باری تهاجمات مستمر ساخت روستاهای ما را تدافعی نمود و این ساخت تأثیر خود را بر ادب و فرهنگ و سنن ما بر جای گذاشت و ساختاری تدافعی به فرهنگ ما بخشید. ساختاری منعطف و رجعت‌پذیر. هم‌چون شاخه‌ی گندم که در مقابل باد و طوفان خم می‌شود ولی نمی‌شکند و به محض تمام شدن باد و طوفان دوباره سر راست می‌کند و می‌ایستد و رجعت به گذشته خود می‌کند. پس گذشته‌ها سخت جان و سرسخت در دل ایرانیان می‌ماند و خانه می‌کند و به فرهنگستان شکلی نوستالژیک می‌بخشد و این دقیقاً مغایر با فرهنگی است که در غرب شاهدیم. فرهنگ تراژیک که مرتباً گذشت‌ها را نقد می‌کند و از آن‌ها گذر

می‌نماید.
پانویس‌ها:

- ۱- تاریخ ماد، نوشته‌ی ام. دیاکونوف، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام تهران.
- ۲- همان کتاب.
- ۳- تا چند دهه‌ی پیش اصطلاحی در میان روستائیان بود که می‌گفت زن توی ده زمین زیر ده.
- ۴- برای آشنائی بیشتر با بنه به کتاب بنه نظام‌های سنتی زراعتی در ایران تألیف دکتر جواد صفی‌نژاد، انتشارات امیر کبیر، سال ۱۳۶۸ مراجعه شود.
- ۵- تاریخ ماد.
- ۶- افلاطون در رساله قوانین خود این تمایز را نشان می‌دهد و می‌گوید در دنیا دو نوع حکومت وجود دارد. بهترین نوع سیستم اداه جامعه در اروپا حکومت یونان و در شرق حکومت ایران می‌باشد. و بقیه شاخه‌هایی از این دو نوع سیستم اداری می‌باشند که بعدها مارکس با خواندن آثار برنیه و دیگران سیستم‌های شرقی با شیوه‌ی تولید آسیائی نام نهاد.
- ۷- تاریخ اجتماعی ایران، نوشته‌ی مرتضی راوندی، جلد اول، انتشارات امیر کبیر، صفحه‌ی ۱۷۸.
- ۸- تاریخ ماد، صفحه‌ی ۲۴۸.
- ۹- همان کتاب، تاریخ ماد.
- ۱۰- سازمان ایلات و عشایر و شیوه‌ی معیشت آن در آذربایجان غربی، تألیف ابراهیم اسکندری‌نیا، چاپ دیپا ارومیه.
- ۱۱- برای شرح بیشتر در مورد مفاهیم فوق
- ۱۲- کتاب تاریخ ماد ۲- مالک و زارع نوشته‌ی ا.ک.س لمپتون ترجمه‌ی منوچهر امیری از انتشارات علمی و فرهنگی چاپ چهارم سال ۱۳۳۹. ۳- کتاب از اسطوره تا تاریخ دکتر مهرداد بهار، نشر چشمه، گردآورنده، دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور، چاپ اول، ص ۴۹. ۴- آثار دکتر ایرج‌وامق.
- ۱۳- تاریخ و جغرافیای طالقان تألیف سیدمحمدتقی میرابوالقاسمی، شرکت سهامی، انتشار آبان ۱۳۴۸.
- ۱۴- روزنامه‌ی حیات نو، چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۳۹۰، صفحه‌ی ۵.
- ۱۵- فره ایزدی همان مفهوم متداول امدادهای غیبی می‌باشد. برای اطلاعات بیشتر در رابطه با فره ایزدی به مجله‌ی اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۳۰-۱۳۹ سال ۷۷، مقاله‌ی فره ایزدی آقای دکتر همایون کاتوزیان مراجعه شود.
- ۱۶- قبله عالم ژئوپلیتیک ایران، نوشته‌ی گراهام فولر، ترجمه‌ی عباس مخیر، نشر مرکز، چاپ اول.
- ۱۷- تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، صفحه‌ی ۷۰۶، عقاید مانی، جلد اول.